



بیندیشید و ثروتمند شوید

فصل ۱: اندیشه ثروت است

به راستی که اندیشه ثروت و دارایی است. دارایی قدرتمندی که وقتی با هدف مشخص، عزم راسخ و اشتیاق سوزان ترکیب می‌شود، راه رسیدن به ثروت را به روی شما می‌گشاید. وقتی کسی عمیقا می‌خواهد به خواسته خود برسد مطمئنا به هدفش می‌رسد. مهم‌ترین امر ساختن اندیشه است، وقتی کسی به واقع برای چیزی آماده می‌شود به آن می‌رسد.

به راستی اگر انسان‌ها پای عقیده خود بایستند و به هدف خود بچسبند و آنقدر مداومت کنند تا خواسته آن‌ها به وسواسی دائمی مبدل گردد، چه اتفاق‌ها که نمی‌افتد.

فرصت:

* فرصت پشت در حیات خلوت شما کمین می‌کند، گاه به صورت بدبختی ظاهری می‌شود، گاه شکل شکست موقتی می‌گیرد، به همین دلیل است که خیلی‌ها

نمی‌توانند فرصت مناسب را تمیز دهند.

* می‌توان با استفاده از اصول مشخص و شناخته شده انگیزه ناملموس اندیشه را به ثروت مادی تبدیل کرد.

* یکی از علل عمده شکست و ناکامی این است که در برخورد با مشکلات موقتی متوقف می‌شویم و دست از تلاش بر می‌داریم.

* هرگز به گفته دیگران دست از کار نکشید و قبل از موفقیت شکست‌های موقتی را بپذیرید.

* نظریه سالم تنها چیزی است که بری رسیدن به آن نیاز دارید.

وقتی ثروت به سوی شما جاری می‌شود، حرکتی بس سریع دارد، با تنعم همراه است، آن‌گونه که تعجب می‌کنید که در این چند سال کجا پنهان بوده است! بدانید که این موضوع مهمی است. این را هم بدانید که ثروت نصیب کسانی می‌شود که سخت‌کوشند و از مداومت لازم برخوردارند. وقتی اندیشیدن را شروع می‌کنید و ثروتمند می‌شوید در می‌یابید که ثروت بایک حالت ذهنی آغاز می‌شود، باید هدف مشخصی داشته باشید.

«موفقیت از آن کسانی است که ذهنیت موفق دارند»

«شکست از آن کسانی است که بی تفاوت اجازه می‌دهند ذهنیت شکست در آن‌ها نفوذ کند»

ما نمی‌خواهیم آنچه را نمی‌فهمیم باور کنیم ما محدودیت‌هایمان را معیار سنجش‌مان قرار می‌دهیم؛ «بلکه باید بدانیم چه می‌خواهیم».

«ما باید بدانیم مسلط بر سرنوشت خود هستیم، ما کاپیتان روح خود هستیم، زیرا این قدرت را داریم که افکار خود را کنترل کنیم. مغز ما با افکاری که در ذهن خود داریم عجین می‌شود و در شرایطی قرار می‌گیرد که نیروی انسان‌ها و وضعیت زندگی را که با شرایط افکار ما سازگاری دارند هماهنگ می‌کند».

«قبل از اندوختن ثروت کلان باید اذهان خود را از اشتیاق به ثروت انباشته کنیم. اگر طالب پول هستیم باید ذهنیت پول داشته باشیم تا اشتیاق به ثروت ما را به طرحی

مشخص برای دستیابی به آن مجبور کند».

فصل ۲: اشتیاق نقطه شروع همه موفقیت‌ها

«آنچه را مغز انسان تصور و باور کند به آن می‌رسد»
رمز موفقیت: کسی که پل‌های پشت سرش را ویران می‌کند، برای خود راه بازگشتی باقی نمی‌گذارد، یا باید پیروز شود و یا از بین برود.
هرکس که طالب پیروزی است باید کشتی‌ها و پل‌های پشت سرش را در آتش بسوزاند و راه‌های عقب‌نشینی را بر خود ببندد.
این‌گونه است که می‌توان ذهن را در شرایط اشتیاق سوزان برای پیروزی قرار داد و این شرط لازم موفقیت است.

شش راه برای تبدیل اشتیاق به طلا:

۱. مبلغ مورد نیاز خود را دقیقاً مشخص سازد.
۲. مشخص کنید برای رسیدن به هرچیز، باید چه چیز را از دست بدهید.
۳. تاریخ مشخصی برای دستیابی به هدف خود در نظر بگیرید.
۴. برنامه‌ای قطعی برای اجرای برنامه خود بریزید.
۵. درباره از خودگذشتگی خود تصمیم بگیرید.
۶. یادداشت خود را به صدای بلند، روزی دو بار بخوانید و باور کنید که صاحب این پول و دارایی شده‌اید.

در کار برنامه‌ریزی برای ثروتمند شدن به کسی اجازه ندهید که رویای شما را از بین ببرد. باید با موفق‌های روزگار و دوران گذشته خود آشنا شوید. باید با زندگی کسانی آشنا شوید که رویای آنچه را که ارزشمند است به دنیای ما ارزانی داشته است؛ به من و شما امکان داده است تا استعدادهای خود را بروز دهیم.

«هرقدر در زندگی بخواهیم و توقع داشته باشیم همان اندازه به دست می‌آوریم»
برای هرکدام از ما راهی وجود دارد، اگر خوب گوش بدهیم کلمات مناسب خود را
می‌شنویم.

فصل ۳: ایمان

«محدودیت ذهن ما همان محدودیتی است که ما برای آن» در نظر می‌گیریم، فقر و
تنعم هر دو نشات گرفته از ذهن ما هستند».

ایمان مهم‌ترین عنصر ذهن است. وقتی ایمان با اندیشه درهم می‌آمیزد، ذهن نیمه
هوشیار بی‌درنگ ارتعاش آن را درک می‌کند و آن را به فراست لایتناهی تبدیل
می‌نماید.

چگونه ایمان را در خود ایجاد کنیم: می‌توانید به کمک تلقین به خود، اشتیاق را به
معادل فیزیکی یا پولی آن تبدیل کنید. ایمان حالتی از ذهن است که می‌توان آن را به
کمک تدبیر یا آموزش‌های تکراری برای ذهن نیمه هوشیار و به کمک اصل تلقین به
خود ایجاد نمود.

بدشانسی وجود ندارد: ذهن نیمه هوشیار اندیشه‌های منفی یا مخرب را درست به
همان شکل اندیشه‌های سازنده به عمل تبدیل می‌کند.

این همان پدیده غریبی است که میلیون‌ها نفر آن را تجربه کرده‌اند و بسیاری آن را
بدبیری یا بدشانسی می‌دانند.

ایمان شما همان عنصری است که عمل ذهن نیمه هوشیار را مشخص می‌سازد.
می‌توانید با تلقین به خود ذهن ناهوشیار را فریب دهید.

برای رسیدن به این مهم و برای آنکه به آن جامه عمل بپوشانید، خود را چنان ببینید
که انگار به خواسته خود نرسیده‌اید. توجه داشته باشید که عمل شرط لازم موفقیت
است. لازم است که احساسات مثبت ذهن را تشویق و احساسات منفی را کنار
بگذارید و براساس آن عمل کنید.

ایمان آن چیزی است که به شما حیات، قدرت و عمل می‌بخشد.

ایمان نقطه شروع انباشت ثروت است.

ایمان تنها پادزهر شکست است.

ایمان مبنای همه اعجاز هاست، همه اسراری است که آن را به کمک قانون علم نمی‌توان تحلیل نمود.

ایمان عنصری است که اندیشه را متحول می‌سازد.

* ایمان تنها عاملی است که به کمک آن می‌توان نیروی فراست الهی را در خدمت انسان گرفت.

فصل ۴: تلقین به خود راه نفوذ بر ذهن نیمه هوشیار

تلقین به خود، مفهومی است که ارتباطی میان ذهن هوشیار و نیمه هوشیار برقرار می‌سازد. در واقع ارتباطی میان ذهن هوشیار و ذهن نیمه هوشیار است. تلقین به خود، خود به خود به ذهن نیمه هوشیار می‌رسد و آن را تحت تاثیر افکار قرار می‌دهد.

انسان طوری ساخته شده که می‌تواند به کمک حواس پنج‌گانه خود دریافتی ذهن نیمه هوشیار را کنترل کند. اما به خاطر داشته باشید که ذهن نیمه هوشیار را به زمین حاصلخیز تشبیه کردیم که اگر در آن بذرهای نامطلوب بکاریم و از آن مراقبت نکنیم، علف‌های هرز در آن به وفور رشد می‌کنند. تلقین به خود عاملی کنترل‌کننده است که انسان به کمک آن می‌تواند داوطلبانه ذهن خود را با افکاری خلاق تغذیه کند.

همان‌طور که می‌تواند افکاری با طبیعت مخرب را در زمین حاصلخیز خود کشت نماید.

فصل ۵: دانش تخصصی

«هر بد بیاری، هر شکست و هر دل‌شکستگی با خود به همان اندازه یا بیشتر امتیازی مثبت دارد.»

ما با دو نوع دانش عمومی و تخصصی روبه‌رو هستیم. دانش عمومی، بدون توجه به اندازه و تنوع آن نقش چندانی در تحصیل ثروت بازی نمی‌کند. میلیون‌ها نفر انسانی بوده است که گمان می‌کنند «دانش قدرت است» هرگز چنین چیزی نیست.

کلمه آموزش در زبان انگلیسی از یک کلمه لاتین اقتباس شده که مفهوم عمل از درون را تداعی می‌کند.

انسان تحصیل کرده لزوماً کسی نیست که دانش عمومی و تخصصی زیاد دارد. بلکه کسی است که ذهنش را وسعت بخشیده و به کمک آن می‌تواند به خواسته خود برسد.

فراموش نکنید که توماس ادیسون تنها سه ماه به مدرسه رفت و هنری فورد بیش از ۶ سال به مدرسه رفت و به مردی ثروتمند تبدیل شد.

فصل ۶: تخیل، کارگاه ذهن

خیال کارگاهی است که در آن تمام برنامه‌های ناشی از انسان شکل می‌گیرد. عمل به کمک قوه تخیل ذهن جاری می‌شود.

ذهن خیالی انسان به دو شکل تصور خلاق و تصور مصنوعی عمل می‌کند. تصویر مصنوعی: این ذهنیت چیزی را خلق نمی‌کند بلکه صرفاً به استناد تجربه، آموزش و مشاهدات دریافتی گذشته کار می‌کند که اغلب مخترعین از آن استفاده می‌کنند.

تصور خلاق: انسان به کمک این ذهنیت الهامات را دریافت می‌کند. به وسیله این ذهنیت است که نقطه‌نظرهای جدید به انسان منتقل می‌شود به کمک این ذهنیت است که شخص می‌تواند با ذهن نیمه هوشیار سایرین ارتباط برقرار سازد.

«اگر اراده‌ای باشد، راهی وجود دارد»

فصل ۷: برنامه‌ریزی سازان یافته

هیچ‌کس به تنهایی تجربه، آموزش، توانایی و دانش کافی ندارد که با آن به ثروت کلان برسد. بدون همکاری دیگران این مهم امکان‌پذیر نیست. در صورت شکست هر برنامه، برنامه بعدی را به اجرا بگذارید. اگر نخستین برنامه انتخابی شما با موفقیت همراه نبود، جای آن را با برنامه دیگری تغییر دهید و آنقدر ادامه دهید تا برنامه‌ای موثر و مفید بیابید. با هوش‌ترین افراد بدون داشتن برنامه‌های معین و عملی نمی‌توانند موفق شوند. این حقیقت مهم را به ذهن بسپارید. وقتی برنامه‌ای به شکست منتهی می‌شود بدانید که شکست موقتی، به مفهوم ناکامی دائمی نیست. «انسان تا زمانی که خود را شکست‌خورده نپندارد، شکست‌خورده نیست».

فصل ۸: تصمیم‌گیری - غلبه بر تردید و دودلی

ناتوانی در تصمیم‌گیری از جمله مهم‌ترین دلایل شکست و ناکامی است. کسانی که نمی‌توانند سرمایه ببندوزند، بدون استثنا کسانی هستند که نمی‌توانند تصمیم‌گیری کنند.

اکثر کسانی که از تنعم دور می‌مانند به سادگی تحت تاثیر عقاید دیگران قرار می‌گیرند. اجازه می‌دهند که روزنامه‌نگاران و اطرافیان و شایعه‌پردازان به جای آن‌ها فکر کنند. اظهار عقیده ارزان‌ترین کالای روی زمین است. هرکس عقیده‌ای دارد و می‌تواند دیگران را تحت تاثیر قرار دهد. اگر هنگام تصمیم‌گیری تحت تاثیر عقاید دیگران قرار گیرید در کار خود موفق نمی‌شوید.

شما برای خود مغز و ذهنی دارید. از آن استفاده کنید و برای خود تصمیم بگیرید.

«ارزش تصمیمات بستگی به شجاعت دارد که برای ارائه آن لازم دارید»

فصل ۹: اراده

مبنای مداومت و پایداری، قدرت اراده است. وقتی نیروی میل و اشتیاق و اراده به درستی ترکیب شود ترکیبی مقاوم‌ناپذیر ایجاد می‌شود.

فقر نصیب کسی می‌شود که ذهنش مایل به آن است. به همین صورت ثروت هم نصیب کسانی می‌شود که برای جذب آن آمادگی دارند. با این حال در هر دو مورد قوانین مشابهی حاکم هستند ذهنیت فقر بدون استفاده آگاهانه از عادات مناسب آن رشد می‌کند. ذهنیت پول باید در اشخاص ایجاد شود مگر اینکه کسانی با این ذهنیت متولد شود.

به مفهوم دقیق این پاراگراف توجه کنید تا به معنای مداومت در جریان انباشت ثروت و رسیدن به موفقیت پی ببرید. بدون مداومت، از همان آغاز مغلوب می‌شوید. اما با مداومت در شمار برندگان قرار می‌گیرید.

فصل ۱۰: قدرت همکاران

مغز انسان را می‌توان با یک باتری مقایسه کرد. این یک حقیقت است که مجموعه باتری‌های الکتریکی، در مقایسه با یک باتری برق بیشتری تولید می‌کنند. همچنین مشخص است که هر باتری با توجه به واحدها و ظرفیت خود برق تولید می‌کند.

مغز هم به شکل مشابهی فعالیت می‌کند. بعضی از مغزها در مقایسه با مغزهای دیگر فعال‌ترند و با کنار هم قرار گرفتن هماهنگ چند مغز انرژی فکری بیشتری در مقایسه با یک مغز ساده تولید می‌شود. درست همان‌طور که چند باتری بیش از یک باتری نیرو ایجاد می‌کند.

در انتخاب همکاران خود وسواس کافی به خرج دهید، یکی از آن‌ها ماهیتی اقتصادی

دارد و دیگری ماهیتی روانی. ویژگی اقتصادی آن مشخص است. هرکس بتواند با اشخاصی که از شعور مقبول برخوردار باشند همکاری کند، با آنها هماهنگ باشد و از توان آنها بهره بجوید، به سود خود کار کرده است. این تعاون و همکاری مبنای تقریباً همه موفقیت‌های بزرگ بوده است. درک شما از این حقیقت بزرگ می‌تواند موقعیت مالی شما را مشخص سازد. درک مرحله روانی اصل گروه همکار بسیار دشوارتر است.

شاید این عبارت شما را در درک موضوع کمک کند. هر دو مغزی که در کنار هم قرار می‌گیرند مغز سومی با نیرویی نامرئی و ناملموس ایجاد می‌کنند که می‌تواند با مغز سومی در ارتباط باشد.